

بسم الله الرحمن الرحيم

دسایس اردوغان برای سقوط ادلب

امروز چه قدر شبیه دیروز است!

(ترجمه)

بیانیه‌های طنین‌انداز و اجرائی نقشه‌های امریکا دو وجه مشترک بین اردوغان، دجال انقره و جمال عبدالناصر، دجال ملیت‌گرایی دارد. اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه نیروهای نظامی سوریه را که حملات شدیدی شبه‌پشتیبانی وحشیانه روسیه راه‌اندازی نموده است، هشدار داد که باید تا آخر فبروری 2020م ماه جاری، از ادلب بیرون شوند. سخنگوی ریاست جمهوری ترکیه می‌گوید: "ما برای دولت روسیه گوش‌زد نمودیم که هرگونه خطاء از جانب نظام سوریه قیمت گزافی را در پی خواهد داشت و این‌که اردوی ترکیه برای حمایت از نقاط تحت مراقبت ترکیه در شمال سوریه آمادگی‌های لازم خویش را گرفته است." (منبع: الجزیره)

نظام جنایتکار سوریه نهایت تلاش آن بر این است که ادلب، آخرین سنگر انقلابیون را ذریعه یک جنگ وحشیانه‌ای که در تاریخ سابقه نداشته است، سقوط دهد. آن هم به پشتیبانی نظامی ننگین روسیه جنایت‌کار که کوچکترین ترچی در آن سراغ داده نمی‌شود؛ روسیه‌ای که از نهایت کینه‌توزی آن نسبت به اسلام و مسلمانان و از شدت خوف آن نسبت به بازگشت خلافت اسلامی، غیرنظامیان را آزادانه و به وقاحت کامل هدف قرار می‌دهد -خلافت، همان دولتی که میلیون‌ها کیلومتر مربع از سرزمین‌های اسلامی را از آن پس خواهد گرفت؛ سرزمین‌هایی که بسیاری از آن‌ها را بعد از بین رفتن خلافت عثمانی اشغال نموده بود؛ خلافتی که صدها سال روسیه از آن شکست‌های بسیاری خورده بود- تا جای که این حملات شدید نظام سوریه منجر به بیجا شدن بیشتر از نیم میلیون از شهروندان ادلب شده است.

این جنگ وحشیانه که به بهانه تعقیب تروریزم خانه‌های مردم را بالای سرشان ویران ساخته و به قتل عام بی‌گناهان می‌پردازد و هدف آن بازگرداندن تمام ادلب در آغوش نظام، قتل عام و بی‌جاسازی مردم از آن می‌باشد، می‌خواهند دوباره ذلت را به مردم سوریه بازگردانند. همان گونه که نزدیک به نیم قرن قبل از انقلاب مبارک این مردم، آنان را همواره اسیر ذلت و خاری ساخته بودند. پس از انقلابی که مزدوران بسیاری را افشاء ساخته است، از جمله اردوغان و جناح‌های ساخته و پرداخته آن، جناح‌هایی که از هیچ دسیسه‌ای علیه شام و مردم آن دریغ ننمودند.

اردوغان ادعا کرد که وی دوست‌دار و حامی انقلاب شام می‌باشد و از این طریق توانست که برخی از رهبران دسته‌های انقلابیون را که به دین و امت خود و به مردم خود در شام مخلص بوده و امریکا، با دار اردوغان، از آن‌ها امیدکنده بود، تغییر داده و از این دسته‌ها گروهایی ساخت که هیچ‌گونه اقدامی بدون دستور وی انجام نمی‌دادند. اردوغان این تنظیمات خویش را با پول‌های سیاسی کثیف خود حمایت مالی نمود؛ پول‌هایی که نصوص قرآنی با دلالت صریح و قطعی مخالف گرفتن آن می‌باشد:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [حجرات: 15]

ترجمه: در حقیقت مؤمنان کسانی‌اند که به الله و پیامبر او ایمان آورده و [دیگر] شک نیاورده و با مال و جان‌شان در راه الله جهاد کرده‌اند،

اینانند که راست‌کردارند.

ضمیر در ﴿بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ﴾ بر مجاهدین برگشته و هیچ‌گونه ارجاعی به حمایت‌کنندگان مالی مانند دولت‌های خلیج و غیر آن ندارد. مجاهدین چه قدر از این درک صحیح بدوراند! در حالی که طبعاً هر آن کسی که پول می‌دهد، اراده را از تمویل شده گانش سلب کرده و آنان را فرماندهی نیز خواهد کرد؛ همان گونه که با این گروه‌ها نیز چنین معامله شد.

اردوغان، دجال انقره در اجراء نقشه‌های امریکا از مهارت بسیار خوبی برخوردار است. وی معمولاً بیشتر وقت به اجرای نقشه امریکا پا پیش گذاشت و قبل از آن به ارائه بیانیه‌ای طنین‌اندازی می‌پردازد؛ کاری که دجال ملیت‌گرایی عبدالناصر بدون اندک تفاوتی با وی انجام داد.

عبدالناصر مردم را از عراق تا المغرب ذریعۀ میکرافون خویش در جاده‌های عربی ریختاند. امریکا برای اطمینان از پارچه پارچه شدن مسلمانان و عدم مراجعۀ شان به یکپارچه‌گی، که آنان را زیر چتر دولت واحد گردهم آورد، موفق شد که به وسیلۀ عبدالناصر مفکوره ملیت‌گرایی را در میان مسلمانان نهادینه سازد.

خیانت‌های عبدالناصر هم‌چنان یکی پس از دیگری به انجام می‌رسید. او در سال 1964م، دو نشست سران عربی را ترتیب داده و از تأسیس سازمان آزادی بخش فلسطینی به ریاست احمد الشقیری استقبال کرد، طوری که در پی آن قضیه فلسطین از یک قضیه اسلامی به یک قضیه عربی تبدیل شد و سپس به یک قضیه ملی، بگونه‌ای که فقط سازمان آزادی بخش فلسطینی می‌توانست از آن نمایندگی کند و بس. تا به این ترتیب این سازمان به حل و فصل قضیه فلسطین برخاسته و به نفع یهود آرام آرام کوتاه آمد و قسمت‌های زیادی را از این سرزمین واگذار شد. عبدالناصر دجال ملیت‌گرایی به عنوان اولین گام در مسیر حل و فصل قضیه فلسطین، این قضیه اسلامی را به قضیه ملی تبدیل ساخت که حکام عربی صرف از آن حمایت مالی و رسانه‌ای داشتند و بس. در حالی که در عوض می‌توانست اردوهای اسلامی را تحریک نموده و این سرزمین مبارک را آزاد سازد، چون اردوهای اسلامی در آن زمان این کار را به سادگی می‌توانستند انجام دهند؛ اما او چنین نکرد؛ بلکه حتی او موردی بسان این را از فهرست کاری خویش حذف و راه را برای یاسر عرفات و کسانی که پس از آن آمدند، برای کوتاه آمدن از این قضیه باز نمود و بهانه ایجاد صلح، قسمت‌های بسیاری این سرزمین را واگذار نمود تا امروز به معامله ننگین قرن رسیدیم؛ معامله‌ای که به حل و فصل نهائی قضیه فلسطین منجر خواهد شد.

آری، عبدالناصر بود که پروژه امریکایی تشکیل دو دولت را بنام گذاشت؛ دولت قوی یهود و دولت ضعیف و کوچک مردم فلسطین؛ دولتی که محض برای شان اجازه زندگی کردن را بدهد. وی با تطبیق این پروژه پروژه انگلیس را کنار زد. انگلیس بر تأسیس یک دولت واحدی تأکید داشت که تحت کنترل یهود بوده و مردم فلسطین نیز در آن ذوب شوند.

عبدالناصر یکپارچه‌گی مصر و سوریه را برهم زد؛ همان گونه که مصر و سودان را از هم جدا ساخت. در آن زمان این سرزمین‌ها ولایت واحدی از ولایات تحت حاکمیت دولت عثمانی بود و پس از نابودی آن نیز تا سال 1956م همانگونه یکپارچه باقی مانده بود و حکام مصر حکام سودان را تعیین می‌نمودند تا اینکه عبدالناصر سودان را به طور کامل از مصر جدا ساخت. پس از این سودان دولت مستقلی از مصر شد و هردو در برابر نفوذ استعمار غربی سرفرود آوردند.

اردوغان نیز پای در جای پای عبدالناصر گذاشته، به ارئه‌ای بیانیه‌هایی می‌پردازد که مسلمانان را در ترکیه و غیر آن دچار توهم می‌نماید. برخی مسلمانان گمان می‌کنند که وی الگویی است که حکام دیگر سرزمین‌های اسلامی می‌بایست از آن تقلید نمایند و قدم در مسیری بگذارند که او در آن گذاشته است؛ درحالی که اردوغان در واقعیت نقشه‌های امریکا را در منطقه اجراء می‌کند. زمانی که انقلاب مبارک شام در سال 2011م با قدرت چشمگیری شعله‌ور و 70 درصد سرزمین‌های شام را تحت کنترل انقلابیون درآورد و نزدیک بود که بشار را به وسیلۀ انقلابیون خفه و

نظام را سرنگون کند. پس از اینکه نظام سوریه از دفاع از خود ناتوان ماند و ایران، شبه نظامیان و احزاب آن، روسیه و ماشین نظامی بزرگ آن از نجات نظام عاجز ماندند، امریکا دست به دامان مزدورش، اردوغان شد.

زمان اجرای نقش اردوغان، روبای مکار فرارسید؛ روبایی که ادعای دوستی با انقلاب و مردم آن را داشت. وی پس از اینکه توانست گروه‌های وابسته به خودش را کنترل کند، به اسالیب پلیدی روی آورد که امریکا برای وی و دوست جنایتکارش پوتین پیش‌کش نموده بود، انقلابیون را به پای میز مذاکره کشانده و آنان را وادار به پذیرش نتایج وخیم آن نمود؛ طوری که در نتیجه انقلابیون شاه راه‌ها را باز گذاشت، مناطق کاهش تنش و نقاط تحت مراقبت ترکیه ایجاد شد و مناطق زیادی یکی پس از دیگری از کنترل انقلابیون درآمد و تحویل بشار شد. در اجلاس سپر فرات 2016م حلب را، در اجلاس شاخه زیتون 2018م غوطه و سکه شرقی را، در اجلاس بهار صلح 2019م مناطق شمالی سوریه را، دو دسته به نظام تحویل داد. وی در ادامه نبرنگ‌های خویش علیه مردم شام و در ادامه خیانت‌های خویش، امروز نیز به اریه بیانیه‌ها و تهدیداتی پرداخته و درگیری‌های را در اطراف شهر سراقب راه اندازی می‌نماید. این در حالی است که اردوی ترکیه بر سرنگونی نظام در حال فروپاشی سوریه توانایی کامل داشته و به خوبی می‌تواند که در این روزهای دشوار و فروماندگی از پیش‌روی‌های نظام جلوگیری و آن را در ادلب به شکست مواجه کند.

علاوه بر این دجال انقره در عوض اینکه اردوی خویش را برای آزادسازی فلسطین از چنگال یهود روان کند، برای کشتن مسلمانان لیبیا روان می‌نماید تا این که برادر خویش، حفتر مزدور دیگر امریکا را حمایت کند؛ در حالی که در این جا نیز به بودن همراه مزدور انگلیس، فایز السراج تظاهر کرده و در این جا همان نقش خبیثی را اجراء خواهد کرد که در سوریه اجراء کرده بود.

می‌بایست که مسلمانان حقیقت نقش اردوغان را دریافته و برای خنثی سازی توطئه‌هایش اقدام کنند؛ زیرا از این طریق می‌توانند نقشه‌های رأس کفر، امریکا را نیز خنثی نمایند. بلی، مسلمانان باید نقشی که از جانب دولت‌های استعماری برای مزوران شان از حکام سرزمین‌های اسلامی موکول می‌شود، بدانند؛ کاروانی که در صدر آن اردوغان، روحانی، سبسی و سلمان قرار دارد.

اما باید یادآور شد: راهکاری که عزت را در پی داشته و بیداری واقعی را برای امت اسلامی به ارمغان می‌آورد، در گرو کار خسته‌گی ناپذیر با حزب التحریر برای برپایی خلافت راشده دوم بر منهج نبوت نهفته است؛ دولتی که بر اساس اسلام حکومت کرده و امور مردم را نظم داده و به تحریک اردوهای اسلامی برای آزادسازی فلسطین و سرزمین‌های مانند آن می‌پردازد. در آن روز است که مؤننین به نصرت و یاری الله سبحانه و تعالی خوش خواهند شد.

نویسنده: استاد شایف الشراذی-ولایه یمن

مترجم: علی مطمئن